



نظر مرحوم خسروشاهی درباره تاریخ نگاری/مروری بر مجموعه حدیث روزگار

مرحوم خسروشاهی معتقد بود تاریخ دوران پس از انقلاب اگر توسط کسانی که در صحنه بوده اند به رشته تحریر درنیاید یا توسط عناصر مُغرض نوشته خواهد شد و یا به تدریج به دست فراموشی سپرده می شود.

مرحوم خسروشاهی معتقد بود تاریخ دوران پس از انقلاب اگر توسط کسانی که در صحنه بوده<rlm><rlm><rlm><rlm><rlm> اند به رشته تحریر درنیاید یا توسط عناصر مُغرض نوشته خواهد شد و یا به تدریج به دست فراموشی سپرده می شود.

به گزارش خبرنگار مهر، آخرین کارهای مکتوب محقق پُرکار و فرهنگبان کوشا، مرحوم سید هادی خسروشاهی، مجموعه «حدیث روزگار» بود که دهه آخر حیات استاد را به خود اختصاص داد و استاد بنا به ضرورت و خلأ جامعه، تمایل زیادی به مکتوب کردن خاطراتش از شخصیت ها، علما، جریانات و گروه های ایرانی و غیرایرانی داشت. خوشبختانه ۲۶ جلد از این مجموعه در زمان حیات ایشان منتشر شد، که آخرینش درباره آیت الله خامنه ای (رهبر معظم انقلاب اسلامی) است و حداقل ۱۵ جلد از آن مجموعه باقی مانده و منتشر نشده است.

ویژگی ممتاز مرحوم خسروشاهی، «ارتباطات گسترده»، «سعه صدر بالا»، «حضور فعالانه» و «روحیه همکاری» وی در غالب فعالیت های اسلامی و انقلابی و فرهنگی معاصر در کشور و جهان اسلام است و همین روحیه و تلاش ویژه ایشان در ثبت و ضبط حوادث و اسناد و مدارک باعث شده است، خاطرات ایشان ارزش و اعتبار بیشتری داشته باشد و مخاطب با خاطرات مکتوب ایشان بخش قابل توجهی از حوادث تاریخ معاصر و جریان نهضت اسلامی ایران را به طور دقیق و صحیح با مدرک و سند ارزیابی و تحلیل و تبیین می کند؛ اگرچه استاد به دلایل مختلف، همه خاطرات و دیده های خود را مکتوب نکرده است و از برخی مسائل گذرا عبور کرده است.

آشنایی با مجموعه «حدیث روزگار»

تاکنون خاطرات استاد درباره شخصیت ها و جریانات زیر منتشر شده است: ۱. زندگی و مبارزات آیت الله کاشانی، ۲. امام خمینی (ره)، پانزده خرداد و مسأله انقلاب، ۳. علامه طباطبایی، ۴. آیت الله طالقانی، ۵. علامه سید مرتضی عسکری، ۶. امام موسی صدر، ۷. آیت الله سیدعلی خامنه ای رهبر معظم انقلاب، ۸. آیت الله هاشمی رفسنجانی، ۹. آیت الله علی مشکینی، ۱۰. شهید نواب صفوی، ۱۱. استاد سید جلال الدین آشتیانی، ۱۲. شهدای حرب و محراب، ۱۳. دکتر ابراهیم یزدی، ۱۴. محمدعلی جمال زاده، ۱۵. دکتر حسن ترابی (سودان)، ۱۶. روزه گارودی (فرانسه)، ۱۷. احمد بن بلا (الجزایر)، ۱۸. مبارزان ملی مذهبی، ۱۹. نشریات مخفی حوزه علمیه قم، ۲۰. مشروطه مشروعه و علمای تبریز، ۲۱. تاریخ نگاری معاصر و کودتای ۲۸ مرداد، ۲۲. طرح مرکز فرهنگی اسلامی اروپا، ۲۳. سازمانها و احزاب سیاسی دوران انقلاب اسلامی، ۲۴. حزب خلق مسلمان، ۲۵. مجموعه ای از خاطرات (از آغاز زندگی تا سال ۱۳۳۳ ش) و ۲۶. خاطرات مکتوب.

گزیده نظرات استاد خسروشاهی درباره تاریخ نگاری

۱. استاد خسروشاهی درباره ضرورت ثبت تاریخ انقلاب و شخصیت های انقلابی می نویسد: «تاریخ چگونگی حوادث دوران پس از انقلاب اگر توسط کسانی که خود به نحوی در صحنه بوده اند، به رشته تحریر درنیاید، یا توسط عناصر مُغرض و معارض نوشته خواهد شد و یا به تدریج به دست فراموشی سپرده می شود.» (خاطرات مستند درباره سازمان ها و احزاب سیاسی دوران انقلاب، ص ۹)

۲. وی درباره مسأله «موضع<rlm> گیری یا بی طرفی مورخان» می نویسد: «تاریخ<rlm> نگاری هیچ گاه بی طرف نمی تواند باشد و هر مورخی، بنا به ساخت و بافت وجودی خود، دارای موضعی درباره حوادث گوناگون است و این امر، حتی علی<rlm> رغم ادعاهای بی طرفانه بودن مؤلف، در لابه لای سطور همه کتاب های تاریخ دیده می شود و مورخان با به <rlm> کارگیری ذهنیت ها و یا برداشت های خود در عمل نشان می دهند که بی طرف نبوده اند.» (خاطرات مستند درباره تاریخ نگاری معاصر و کودتای ۲۸ مرداد، ص ۳۲)

۳. خسروشاهی در پاسخ به سوالی درباره تاریخ<rlm> نویسی غربی ها یا شرقی ها درباره مسائل جامعه ما می

گوید: «از این نوع تاریخ rlm&نگاری، سابقه خوبی سراغ نداریم و اگر نام آن را «تاریخ rlm&نگاری استعماری» بگذاریم، زیاد از حقیقت دور نرفته ایم. داوری یک خارجی درباره تاریخ معاصر ما، به دلایل زیادی مشکوک و غیرقابل قبول و حتی فاقد ارزش تاریخی خواهد بود و نمونه های فراوان آن در رابطه با تاریخ و حوادث انقلاب اسلامی ایران، این ادعاها را کاملاً ثابت می کند.» (همان، ص ۲۵)

برش هایی از کتاب های مجموعه «حدیث روزگار»

- روزی آیت الله خامنه ای به حجره ما آمدند، هم حجره من، آقا میرزا محمد محقق [مروندی] حضور نداشت. من بلند شدم و جای خود را به ایشان دادم و خود در جای آقا میرزا محمد نشستم. ایشان در پشت میز کوچک مطالعه من نشستند و با انبوهی از اوراق و مقاله ها و اسناد و بُریده جراید داخلی و خارجی که برای کارهای خود آنها را جمع آوری کرده بودم، روبرو شدند و پس از بررسی اجمالی گفتند: چه می شد که در حوزه ها برای فارغ التحصیلان رشته های غیرفقه و اصول هم لقب های رسمی! به کار می رفت تا همه مجبور نشوند که فقط به سراغ فقه و اصول بروند؟ در واقع مرادشان این بود که در حوزه ها باید به رشته های دیگر نیز بها داده شود تا هر کسی مطابق علاقه و ذوق خود پس از تحصیل مقدمات و بخشی از فقه و اصول و تفسیر و فلسفه، به مقداری که لازم است، نه در حد تخصصی، به آن رشته مورد علاقه خود بپردازد و برای عقب نماندن از قافله! دریافت لقب آیت اللهی، مجبور نشود در رشته ای به تحصیل ادامه دهد که مورد علاقه اش نیست. (خاطرات مستند درباره آیت الله سید علی خامنه ای، صص ۲۷ و ۲۸)

- استاد خسروشاهی درباره ارتباطات متنوع رهبر معظم انقلاب با گروه ها و جریانات سیاسی و حوزوی می گوید: ایشان چه در مشهد و چه در تهران، با افراد و نهادها و جریان های سیاسی فرهنگی فعال و مبارز در دوران قبل از انقلاب مانند کانون نشر حقایق اسلامی، نهضت آزادی، جاما، مسلمانان مبارز، حسینیۀ ارشاد، مکتب توحید و امثال اینها، چه به عنوان یک سازمان و یک تشکیلات و چه به عنوان شخصیت های فرهیخته و روشنفکر موجود در آن سازمان ها، در زمینه های فرهنگی و سیاسی تعامل و ارتباط داشتند و این نوع همکاری تا پس از پیروزی انقلاب هم ادامه یافت تا اینکه اختلافات و سهم خواهی ها و انحراف ها از طرف دوستان آغاز گردید و به طور طبیعی ایشان هم روابط خود را با آنها کم و یا قطع کردند. البته با توجه به اینکه ایشان اهل شعر و ادب و علم و هنر و hellip&بودند با عناصر فرهنگی و علمی و روشنفکران متعهد و شاعران معاصر، ارتباط بیشتر و وسیع تری داشتند و در مجالس آنها شرکت می کردند و در هر زمینه ای که مطلبی مطرح می شد، سخنی برای گفتن داشتند hellip&البته این را بنده ادعا نمی کنم و همه اهل انصاف از اهالی فرهنگ و ادبیات به آن اعتراف دارند و جلسات کنونی شب شعر و نشست و غیره با اهالی فرهنگ و هنر و شعر، در واقع استمرار این روابط است hellip&(خاطرات مستند درباره آیت الله سید علی خامنه ای، صص ۵۲ و ۵۳)

- یک بار یکی از بزرگان آیت الله مهدوی کنی در دیداری و در پاسخ سوال من گفتند که ما تذکراتی به آقا [آیت الله خامنه ای] می دهیم ولی «لایگو شدن»! یعنی گوش نمی دهند! بنده به ایشان گفتم آیا مجاز هستم این حرف را مستنداً به آیت الله خامنه ای نقل کنم و گفتند اهلاً و سهلاً hellip&در ملاقاتی دیگر مطلب و جمله آن بزرگوار را به ایشان (آیت الله خامنه ای) نقل کردم hellip&ایشان خندیدند و گفتند ظاهراً باید تعبیر ایشان چنین اصلاح شود که «لا قبولون»! چون معلوم است که گوش داده اند، ولی اقدام نکرده اند، پس در اینجا «لایگوشون» صحیح نیست و در مورد عدم قبول هم باید ایشان توجه بفرمایند که ما همه نظریات دوستان و بزرگان را می شنویم و آنچه را که به صلاح اسلام و انقلاب و کشور است حتماً انجام می دهیم و اقدام می کنیم، ولی طبیعی است که پذیرفتن و عملی کردن همه نظریات آقایان مقدور نیست. (خاطرات مستند درباره آیت الله سید علی خامنه ای، صص ۷۴ و ۷۵)

- استاد خسروشاهی در بخشی از خاطرات شان درباره منش فکری و فعالیت های آیت الله طالقانی می گوید: «طالقانی باور داشت که مسأله بیدارسازی ملت ها، جز از راه آموزش تعالیم قرآنی، امکان پذیر نیست و برای همین، چهل سال تمام، حتی در دوران تبعید و زندان به تفسیر قرآن و نشر «پرتوی از قرآن» پرداخت تا بلکه بتواند قرآن را به میان مردم ببرد و به جامعه اسلامی برگرداند و آن را از گور و گورستان! رهایی بخشد hellip&» (خاطرات مستند درباره آیت الله سید محمود طالقانی، ص ۱۵۴)

- استاد خسروشاهی در فرازی دیگر درباره نقش آیت الله طالقانی در پیروزی انقلاب اسلامی و مبارزات مردم بیان می دارد: «آیت الله طالقانی، مالک اشتر انقلاب و ابوذر امام بود و از ارکان اصلی انقلاب اسلامی به شمار می رفت و بی تردید با رحلت ایشان، ثلمه ای بر اسلام و انقلاب وارد آمد که با هیچ چیزی قابل جبران نبود. اگر ایشان زنده می ماند، به طور قطع بسیاری از حوادث تلخ و دردناک بعدی رخ نمی داد.» (خاطرات مستند درباره آیت الله سید محمود طالقانی، ص ۵۶)

و منطقه خاصی برای او مطرح نبود؛ در ایران بارها چمران را دیدم در قم و تهران اما همیشه سخت گرفتار کار بود. شب و روز را نمی شناخت و عاشقانه می کوشید. به آرزوی دیرینه اش رسیده بود و در این راه آماده بود که جان بپازد، فراموش نمی کنیم «پاوه» را و بعد نبردش در «جنوب» را. (خاطرات مستند از مبارزان ملی مذهبی، صص ۳۵ و ۳۶ و ۳۷)

یک نکته ای که کمتر درباره روژه گارودی بیان شده، نگاه حمایت rlm& آمیژ او از انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) و نگاه انتقادی شدید وی به رژیم آل rlm& سعود است که کمتر کسی به آن توجه کرده است و این هم از ویژگی های برجسته کتاب های خاطرات استاد خسروشاهی است. در بخشی از این خاطرات استاد می خوانیم: «گارودی از لحاظ اندیشه سیاسی با آل rlm& سعود نه تنها موافق نبود، بلکه با آن به مبارزه پرداخت. وی شجاعانه طی مقالاتی، فساد و تباهی درباره آل سعود را افشا کرد. او در فاجعه قتل عام مسلمانان ایرانی در تظاهرات «برائت از مشرکین» در مکه مکرمه توسط مزدوران و دژخیمان سعودی به افشاگری پرداخت و اقدام وحشیانه آنان را تقبیح نمود و مقالات او در این زمینه در مطبوعات اروپایی منتشر گردید. او در مورد دعوت شاه فهد از نیروهای آمریکایی و سپس حمله متجاوزین آمریکایی به عراق، به شدت این عمل آل rlm& سعود را تقبیح نمود و حتی فهد را فردی نامسلمان نامید و اقدام او را نوعی "روسی گری سیاسی" خواند.» (خاطرات مستند درباره روژه گارودی، ص ۳۱)

احمد بن بلا، فرمانده جهاد آزادی‌طلبان؛ بخش مردم الجزایر می‌گوید: «امام خمینی بزرگ‌ترین مرد تاریخ معاصر است و فکر می‌کنم که امام دیگری چون او نخواهد آمد. انقلاب اسلامی به نظر من، خیلی مهم‌تر از انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب اکتبر روسیه و انقلاب نوامبر الجزایر است؛ چون این انقلاب فقط مخصوص ایران نیست، بلکه مربوط به همه ملت‌هاست و آثار آن در چهارچوب جغرافیای ایران محدود نخواهد ماند. این آغاز حرکت جدید اسلام در همه دنیا خواهد بود.» (خاطرات مستند درباره احمد بن بلا، ص ۳۱)

احمد بن بلا، فرمانده جهاد آزادی‌طلبان؛ بخش مردم‌الجزایر در دیداری به استاد خسروشاهی می‌گوید: «من اعتقاد دارم که در ایران همه علما و روحانیون نباید خود را درگیر مسائل اداری و روزمره کشوری بکنند که دچار مصیبت خواهند شد. بگذارید غیر از گروهی از علمای برجسته که صلاحیت تصدی امور یا رهبری را دارند، بقیه به عنوان پناهگاه همیشگی مردم در پایگاه‌های مساجد، در کنار مردم باقی بمانند و از تصدی کارهای اجرایی و اداره کشور دور شوند و به ارشاد و نظارت بپردازند.» (خاطرات مستند درباره احمد بن بلا، ص ۴۵)

- محمدعلی جمال زاده، نویسنده معروف در گفتگویی با استاد خسروشاهی می گوید: «بارها افراد از طرف سازمان های مختلف به سراغم آمده اند، حرف ها زده اند، از نظام اسلامی بدگویی ها کرده اند، ولی من به آنها گفته ام: اگر این نظام هیچ خدمتی به مردم ایران جز تغییر رژیم پادشاهی ۲۵۰۰ ساله نکرده باشد، همین یک امر برای پشتیبانی از آن کفایت می کند و شما به جای قدردانی و کمک برای اصلاح امور، به تخریب آن مشغولید و نمی دانید که این انقلاب چه نعمت بزرگی است برای ملت ایران و در هر صورت اگر نواقصی هم هست، اینها باعث تغییر عقیده نمی شود.» (خاطرات مستند درباره سید محمدعلی جمال زاده و انقلاب اسلامی، صص ۱۵۱۴)

خسروشاهی در برخی خاطراتش به برخی روحیات منفی و مثبت جامعه و شخصیت ها و گروه های ایرانی می پردازد؛ «به نظر من کیش شخصیت!، تمامیت خواهی و تک‌المللی؛ محوری، یک اخلاق و روحیه زشت ایرانی است؛ چرا که اغلب کار جمعی را دوست ندارند و علاقمند هستند که همه کارها را خودشان یا اطرافیان و یا وابستگان شان انجام دهند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ما توقع استمرار این نوع روحیه را نداشتیم، ولی متأسفانه چنان شد؛ یعنی تمامیت خواهی رسمی از آن زمان و از دولت موقت مرحوم مهندس بازرگان آغاز شد و آقایان کابینه را از اعضای جبهه ملی، نهضت آزادی، ملت ایران، جاما و احزاب ملی <گرای دیگری تشکیل دادند که بعدها به نام «ملی مذهبی» معروف شدند. البته اغلب این ها دوستان بنده بودند و من صداقت و حُسن نیت بسیاری از آن ها را باور داشتم، ولی در کابینه اول دولت موقت، حتی یک روحانی مبارز و یا به قول آن ها، یک «آخوند» نمی بینیم. به نظر من این نوعی تمامیت خواهی اشتباه <آمیز بود.> (خاطرات مستند درباره سازمان ها و احزاب سیاسی دوران انقلاب، ص ۲۶)

وی در ادامه می نویسد: «بعدها در طرف مقابل هم دوستان دیگر ما مثلاً در حزب جمهوری اسلامی و آن هایی که در صحنه سیاست بودند، تمامیت &&&&&&&&& خواه شدند و مایل بودند که تنها همفکران خود را در رأس همه کارها قرار بدهند. این وضع ادامه پیدا می کند تا به دوره جناب آقای سید محمد خاتمی می رسیم که خیلی هم به ایشان علاقه داریم، ولی می بینیم باز در دوره ایشان هم چند هزار مدیر در سطح کشور کنار گذاشته می شوند و چند هزار مدیر جدید می آیند و پس از آن هم دولت بعدی نوعی تمامیت خواهی بدتری را اجرا کرد.» (همان، ص ۲۷)

راه تهیه آثار

برای تهیه مجموعه آثار و خاطرات مستند مرحوم سیدهادی خسروشاهی می توانید در قم به فروشگاه کلبه شروق واقع در ابتدای خیابان صفاییه و در تهران به فروشگاه کتاب مؤسسه اطلاعات واقع در خیابان انقلاب روبروی دانشگاه تهران مراجعه نمائید و یا با مرکز پخش کتب در قم به شماره تلفن ۳۷۸۳۸۱۴۴ (۰۲۵) یا سایت مرکز بررسی های اسلامی (www.iscq.ir) یا سایت پاتوق کتاب فردا (www.bookroom.ir) تماس بگیرید.